

## Investigation of Akhies monasteries in Ottoman territory

Masoumeh Darsar<sup>1</sup>

### Abstract

Organized as Moqufeh institutions, the Akhi monasteries were one of the most influential components in the history of the Ottoman Empire who had a great influence in propagating and expanding the Sufi and religious beliefs of the Akhi in the Ottoman territory, and subsequently in the spiritual, cultural, social, economic and political life of the Ottoman state and they played a role as an important element in the establishment of relations between the Akhes and the Ottoman society. The fundamental demand of the present research is to investigate the customs of Akhigari organizations in the monasteries of the Ottoman Empire, the expansion and decline of the Akhies monastery as a result of the interactive and confrontational relations between the Ottoman rulers and the Akhies and the role of the Akhies monastery in the spiritual, cultural, commercial and economic relations of the Akhi with the Ottoman government. The research method in this study is the descriptive-analytical method and the method of collecting library information. The results and achievements of this research show that since the establishment of the Ottoman government, there have been relations between this government and the Akhies organizations. And the Ottoman government has allocated many Moqufat and monasteries in different parts of its territory for the Akhies. With the expansion of monasteries and Akhi organizations, the principles and beliefs of Akhies were spread in the Ottoman territory and due to popular acceptance and religious tolerance, it has caused many social, political and economic developments in the Ottoman society; but gradually with the increase of the central stability of the Ottoman government, The empowerment of Sheikh Al-Islami school and institution, and the emergence of the Janissary Corps, which was the political and military power base of the Ottoman government and had a deep connection with sects such as Baktashiyeh; the organization of Akhies and their monasteries lost their importance and the government dissolved most of the Akhies monasteries.

**Keywords:** Monastery, Sufism, Akhies, Ottoman Empire.

The first year|

Number Three|

Spring 2024|

---

1. PhD in History of Islamic Culture and Nations  
masumehdorsar@yahoo.com

## تحقيق أديرة (خانقاه) آخي في الأراضي العثمانية

معصومه درسار<sup>١</sup>

### الخلاصة

باعتبارها مؤسسات ورفية منظمة، كانت أديرة الآخي واحدة من أكثر المكونات تأثيراً في تاريخ الإمبراطورية العثمانية، والتي كان لها دور فعال في نشر وتوسيع المعتقدات الصوفية والدينية للآخي في الأراضي العثمانية و من ثم في المجال الروحي والثقافي والثقافي. و كان للجوانب الاجتماعية والاقتصادية والسياسية للحكومة العثمانية أثر كبير ولعبت دوراً كعنصر مهم في إقامة العلاقات بين الآخيين والمجتمع العثماني. الهدف الأساسي من البحث الحالي هو دراسة عادات وتقاليد تنظيم الآخي في أديرة الدولة العثمانية، وتوسع وتراجع الدير الآخي نتيجة العلاقات التفاعلية والمواجهة بين الحكام العثمانيين والآخيين. و دور الدير الآخي روحانياً وثقافياً وتجارياً واقتصادياً للآخيين مع الحكومة العثمانية. منهج التحقيق في هذا البحث هو المنهج الوصفي التحليلي وأسلوب جمع المعلومات المكتوبة. وتظهر نتائج وإنجازات هذا البحث أنه منذ قيام الدولة العثمانية، كانت هناك علاقات بين هذه الحكومة ومنظمة الآخي، و قد خصصت الحكومة العثمانية للآخي العديد من الأوقاف والأديرة في أنحاء مختلفة من أراضيها. مع توسع الأديرة وتنظيمات الآخي، نُشرت مبادئ ومعتقدات الآخي في الأراضي العثمانية، وبسبب القبول الشعبي والتسامح الديني، أحدثت العديد من التغييرات الاجتماعية والسياسية والاقتصادية في المجتمع العثماني. ولكن تدريجياً، مع زيادة الاستقرار المركزي للحكومة العثمانية، و اكتساب قوة مدرسة ومؤسسة الشيخ الإسلامي، و ظهور الفيلق الإنكشاري، الذي كان قاعدة القوة السياسية والعسكرية للحكومة العثمانية و كان لهم ارتباط عميق بطوائف مثل البكتاشية و تنظيم آخي و فقدت أديرتهم أهميتها و حلت الحكومة معظم أديرة الآخي.

**الكلمات المفتاحية:** الخانقاه، الصوفية، الآخي، الدولة العثمانية.

<sup>١</sup>دكتوراه في تاريخ ثقافة وحضارة الأمم الإسلامية  
masumehdorsar@yahoo.com



فصل نامه  
علمی  
مطالعات  
بفتاح و  
امکان  
متبرکه

## بررسی خانقاه‌های اخی‌ها در قلمرو عثمانی

مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

معصومه درسار<sup>۱</sup>

### چکیده

خانقاه‌های اخی‌ها به‌عنوان مؤسسات موقوفه سازمان‌دهی شده، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تاریخ امپراتوری عثمانی بودند که در تبلیغ و گسترش باورهای صوفیانه و مذهبی اخی‌ها در قلمرو عثمانی و در پی آن در حیات معنوی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دولت عثمانی تأثیر به‌سزایی گذاشتند و به‌عنوان عنصری مهم در برقراری روابط اخی‌ها با جامعه عثمانی نقش ایفا کردند. خواست بنیادی پژوهش حاضر، بررسی آداب‌ورسوم تشکیلات اخی‌گری در خانقاه‌های قلمرو عثمانی، گسترش و افول خانقاه اخی‌ها در اثر مناسبات تعاملی و تقابلی حکمرانان عثمانی با اخی‌ها و نقش خانقاه اخی‌ها در روابط معنوی، فرهنگی، تجاری و اقتصادی اخی‌ها با حکومت عثمانی است. روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. نتایج و دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که از زمان تأسیس دولت عثمانی میان این دولت و تشکیلات اخی‌ها مناسباتی وجود داشته است و دولت عثمانی موقوفات و خانقاه‌های بسیاری در نقاط مختلف قلمرو خود برای اخی‌ها اختصاص داده است. با گسترش خانقاه‌ها و تشکیلات اخی‌گری، اصول و عقاید اخی‌ها در قلمرو عثمانی انتشار یافته و به دلیل مقبولیت مردمی و تسامح مذهبی باعث تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیاری در جامعه عثمانی گشته است؛ اما به‌تدریج با افزایش ثبات مرکزی حکومت عثمانی، قدرت‌گیری مدرسه و نهاد شیخ‌الاسلامی و ظهور سپاه‌ینی‌چری که پایگاه قدرت سیاسی و نظامی حکومت عثمانی بود و پیوند عمیقی با طریقت‌هایی چون بکتاشیه داشت، سازمان اخی‌ها و خانقاه‌های آنان اهمیت خود را از دست داده و حکومت اغلب خانقاه اخی‌ها را منحل کرد.

**واژه‌های کلیدی:** خانقاه، تصوف، اخی‌ها، قلمرو عثمانی.

۱ سال اول

۳ شماره

۱ بهار ۱۴۰۳

## مقدمه

اخی‌ها گروهی از صوفیان بودند که سه صفت فتوت، شجاعت و مهمان‌نوازی را به همراه داشتند و از طبقات صنعتگر و بازرگان پیشه عضو می‌پذیرفتند (لاپیدوس، ۱۳۸۷: ۴۳۲) و اساس طریقتشان بر محور تصوف بود (سامی، ۱۳۰۶، ج ۲: ۸۰۶). آنان از همان آغاز حکومت عثمانی پیوند آشکاری با عثمانی‌ها داشتند و در فتوحات، سپاه عثمانی را همراهی می‌کردند؛ بنابراین مورد حمایت حکومت عثمانی قرار گرفته و خانقاه‌هایی برای آنان تأسیس شد و از حمایت مالی حکومت نیز برخوردار شدند. خانقاه‌های اخی‌ها به‌خصوص در دوره‌های اولیه عثمانی در آناتولی، در تمام شهرها و روستاها فعالیت داشتند (tekin, ۲۰۰۶: ۲۲۱; tezcan, ۱۹۸۹: ۷). در خانقاه‌ها، اخی‌ها با تکیه بر اصول فتوت و تصوف و با شجاعت تمام، برای تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی فعالیت می‌کردند. اخی‌ها برای اینکه جوانان در جامعه اشخاصی مفید واقع شوند، آن‌ها را به انواع حرفه و شغل گرایش می‌دادند و آن‌ها را افرادی مؤلف و مسئولیت‌پذیر به بار می‌آوردند. جوانان با اتحاد با اخی‌ها، ارزش‌های اخلاقی و دینی را هم در خانقاه‌ها آموزش دیده و در کارها مهارت می‌یافتند (inalcik, ۱۹۹۹: ۱۹۲). به‌طور کلی می‌توان گفت خانقاه‌ها محل امنی بودند که اخی‌ها در آن محل همواره درصدد تقویت رفتارهای صوفیانه و رفتارهای موردپسند در محیط اجتماعی بودند تا با ایجاد وحدت میان اخی‌ها و مردم، گامی در جهت عدالت و آرامش و امنیت اجتماعی بردارند.

در خانقاه‌ها فعالیت تشکیلات اخی‌گری صرفاً یک تشکیلات طریقتی یا صرفاً یک تشکیلات صنفی نبود بلکه مجموعه‌ای از تمام خصوصیات سازگار این دو تشکیلات بود. بدین دلیل که تشکیلات اخی‌گری از طرفی مردم را به کارهای خوب، راستی و درستی سوق می‌داد که نشان از دارا بودن خصوصیات طریقت بود و از طرفی با مداخله کردن در حیات کاری، ساخت و تولید، باروری، بررسی قیمت‌ها و کنترل کیفیت، خصوصیات تشکیلات اصناف را هم با خود به همراه داشت (demirpolat, akça, ۲۰۰۴: ۳۷۰). علاوه بر این‌ها، اخی‌ها خصوصیات اخلاقی جنگجویانه را نیز دارا بودند، به‌گونه‌ای که از اشتیاق نظامی خاصی در راه دین و جنگ برخوردار بودند؛ لذا آنان جهت ترویج عقاید خود در خانقاه‌ها گرد هم می‌آمدند (کین راس، ۱۳۷۳: ۳) و بدین ترتیب با اتکا به اصول تشکیلات اخی‌گری، آراء و عقاید خود را نیز اشاعه می‌دادند. گاهی خوی جنگاوری اخی‌ها آشوبگری و بر هم زدن امنیت در شهرها را در پی داشت که در این مواقع حکومتگران می‌کوشیدند روحیه جنگاوری آنان را مهار کرده و تحت فرمان خود درآورند و از آنان در جنگ‌ها و همچنین برای انتظام بخشیدن به شهرها استفاده کنند (افشاری و مداینی، ۱۳۸۱: ۲۰).

در مورد خانقاه و آداب و رسوم آن، کتاب‌ها و مقالات متعددی به نگارش درآمده است؛ اما در خصوص بررسی خانقاه اخی‌ها در قلمرو عثمانی مطالعات و تحقیقات تخصصی منسجمی صورت نگرفته است. از مهم‌ترین مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در خصوص خانقاه اخی‌های قلمرو عثمانی، می‌توان موارد ذیل را بیان نمود که مطالعات و تحقیقاتی تخصصی هستند که اغلب درباره ماهیت فکری اخی‌ها سخن گفته‌اند: صوفیان نخستین در ادبیات ترک از محمد فؤاد کوپرلی، امپراتوری عصر متقدم ۱۶۰۰-۱۳۰۰ از خلیل اینالچق، تاریخ عثمانی از اسماعیل حقی اوزون چارشیلی، تصوف و یک‌صد پرسش و پاسخ از عبدالباقی گولپینارلی، تاریخ امپراتوری عثمانی از



محمدتقی امامی خوئی که هرچند مطالعاتی تخصصی راجع به خانقاه اخی‌ها محسوب نمی‌شوند؛ اما دربردارنده بررسی‌ها و تحلیل‌های مفیدی در این خصوص است. مطالعات و تحقیقات دیگری هم مرتبط با خانقاه اخی‌ها صورت گرفته است که اغلب درباره و آداب و سنن اخی‌ها در خانقاه سخن گفته‌اند.

لذا به دلیل اهمیت خانقاه اخی‌ها و عدم توجه کافی به بررسی خانقاه‌های اخی‌ها در قلمرو عثمانی، پژوهش در این زمینه اهمیت پیدا می‌کند. مقاله حاضر در تلاش است با تکیه بر منابع گوناگون و توصیف و تحلیل، به بررسی خانقاه‌های اخی‌ها در قلمرو عثمانی بپردازد. بر این اساس پژوهش حاضر جهت رسیدن به هدف اصلی خود تلاش می‌نماید به این سؤالات پاسخ دهد:

آداب و رسوم تشکیلات اخگیری در خانقاه‌های قلمرو عثمانی به چه صورت بوده است؟ گسترش و افول خانقاه اخی‌ها در اثر مناسبات تعاملی و تقابلی حکمرانان عثمانی با اخی‌ها به چه صورت بوده است؟ نقش خانقاه اخی‌ها در روابط معنوی، فرهنگی، تجاری و اقتصادی اخی‌ها با حکومت عثمانی چه بوده است؟ نقش شخصیت‌های برجسته اخی‌ها در خانقاه‌ها چه بوده است؟

## ۱. خانقاه و آداب و رسوم آن

خانقاه‌ها از مهم‌ترین بخش‌های تشکیلاتی اخی‌گری محسوب می‌شدند و مؤسسات موقوفه‌ای بودند که از سوی دولت عثمانی به اخی‌ها واگذار شده بود (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۱۴). خانقاه که با تفاوتی تکیه و زاویه و رباط نیز خوانده می‌شود، محل اقامت، خلوت و عبادت متصوفه بود. در خانقاه‌ها اوراد و اذکار و ریاضت‌ها و چله‌نشینی‌ها<sup>۱</sup> رایج بود (زرین‌کوب، ۱۳۵۶: ۷۷، ۹۳؛ نفیسی، ۱۳۴۶: ۱۴۶). خانقاه در نزد صوفیه محیط محترم و پاکی بوده و جایگاه مقدسی محسوب می‌شد و علاوه بر اینکه آداب و رسوم تصوف در آنجا اجرا می‌شد، محلی برای پذیرایی و اطعام فقرا و مساکین و درویشان و مسافران نیز بود. تجمع صوفیان در خانقاه، برای تبیین حقایق دینی، تشریح اصول و مبادی تصوف بوده و مشایخ، سالکان، مریدان و طالبان را به انجام اعمال عبادات و امی‌داشتند تا تزکیه نفس یابند (برزی، ۱۳۷۶: ۱۳۵-۱۳۴). تعالیمی که در خانقاه‌ها به مریدان و مبتدیان داده می‌شد، دو نوع بود، یکی تعالیم شفاهی که از رسوم و سنت‌های جاری و معمول خانقاه‌ها بود و عبارت بود از پند و موعظه و دستورهایی که شیخ مرشد به طالبان و مریدان می‌داد و دیگری تعلیمات عملی که عبارت بود از ریاضت‌های گوناگون مانند روزه، نماز، ذکر چله‌نشینی، آداب سماع و وجد و سفر و درس‌ها و دستوره‌های عملی دیگر (کیائی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۴۲).

خانقاه‌ها مجموعه‌های بزرگ دارای اموال و املاک بسیار بودند و برای اخی‌ها امکانات مناسبی مهیا می‌کردند، چراکه خانقاه‌ها کانون فعالیت‌های کشاورزی، تجاری، اداری، آموزشی، عبادی و خیریه بودند. اغلب خانقاه‌ها بخش‌های مختلفی را شامل می‌شدند، از جمله محلی برای سکونت مسافران، حجره‌ای برای مقیمان، کنجی برای اعمال گروهی مانند نماز و نیایش و عبادت، حجره‌ای

۱. برای آگاهی از اصطلاحات خانقاهی رجوع شود به: (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۹: ۳۵۹-۳۵۴).

۲. چله‌نشینی یعنی چهل شبانه روز در خلوت نشستن و اربعین برآوردن. صوفیان در اجرای برنامه عزلت و تنبُّل، طبق دستور پیر خانقاه و تحت نظر و مراقبت مشایخ خویش، چهل شبانه روز با تشریفات خاصی در یکی از حجره‌های خانقاه برای تزکیه و تهذیب نفس، خلوت گزیده و به ریاضت می‌پرداختند (کیائی، ۱۳۶۹: ۴۱۹).



برای خلوت صوفیان، محلی و مجلسی برای وعظ، محل ویژه‌ای برای مرشد یا پیر خانقاه، محلی برای تغذیه، مرکزی برای تدریس و دارای آشپزخانه، کتابخانه، بیمارستان، حمام، اسطبل و زمین‌ها و باغ‌هایی در بیرامون (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۲۷). اخی‌ها پیرو آیین‌های عمومی جوانمردان بودند و حاضر می‌شدند تا موی ایشان را ببرند و آب و نمک را برای نوشیدن به آنان بدهند و آنان را کسوت<sup>۱</sup> بپوشانند و این امر به صورت رسمی در خانقاه و مجلس جوانمردان صورت می‌گرفت. اخی‌ها برخلاف صوفیان به جای خرقة، شلوار فتوت (سروال) می‌پوشیدند و کلاه پاپاق سفید بر سر می‌گذاشتند. در این مراسم پوشیدن شلوار فتوت بیش از همه اهمیت داشت. وضع سیاسی و دینی اخی‌ها نیز همانند سایر جوانمردان ثابت نبود. برخی عناصر و عادت‌ها و نظریات اخی‌ها نشانگر آن بود که از تمایلات شیعی نشئت گرفته است، درحالی‌که ایشان نیز همچون سایر ترکان، سنی حنفی بودند (رضوی: ۱۳۹۵: ۶۹؛ امامی خوئی، ۱۳۹۶: ۴۸).

هزینه تأسیس خانقاه‌ها را یا پادشاهان و وزرا و امراء و دولتمردان بر عهده می‌گرفتند (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۶) یا از محل اوقاف و نذورات و هدایا و نظایر این‌ها فراهم می‌شد و آن وجوه را در بین خانقاه‌نشینان قسمت می‌کردند و کمتر اتفاق می‌افتاد که مشایخ درویشان، عواید مازاد را در خزانه برای فردا ذخیره کنند، زیرا این عمل را توکل خود بر خدا می‌گفتند (همان، ج ۲: ۸۸۱). برای دیگر مصارف خانقاه‌ها، باغات و مزارع فراوانی برای خانقاه‌ها وقف می‌کردند و صاحب خانقاه که خانقاه‌دار نام داشت، در اراضی موقوفه‌ای که به او اختصاص داده شده بود، کشت و کار می‌کرد و از عایدی آن، خانقاه خویش را اداره می‌کرد (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۱۴).

## ۲. گسترش خانقاه اخی‌ها در اثر مناسبات تعاملی حکمرانان عثمانی با اخی‌ها

از آنجاکه اخی‌ها در شکل‌گیری دولت عثمانی منشأ خدمات ارزنده‌ای بودند، دولت عثمانی برای حراست و حمایت از آنان سیاست‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کرد. از جمله اینکه، دولت به پیروان طریقت اخی‌ها خانقاه‌هایی واگذار می‌کرد. معمولاً در هر شهر خانقاه‌های متعددی وجود داشت. خانقاه‌ها علاوه بر شهرها در حوالی شهرها، قصبات، روستاها و بر سر راه جاده‌ها نیز تأسیس می‌شدند (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۱۴). در جامعه عثمانی روستاهای وقفی نیز وجود داشت که بسیاری از آنان در غرب آناتولی و روملی واقع بود که وقف خانقاه‌ها و نخبگان دینی می‌شد. با توجه به اینکه پادشاهان عثمانی همواره به امور اخی‌ها رسیدگی و موقوفه‌هایی به آنان اختصاص می‌دادند و مالکیت برخی روستاها را نیز بدان‌ها واگذار می‌کردند، اخی‌ها از نظر مالی تأمین و خانقاه‌هایی تأسیس می‌کردند (دورسون، ۱۳۸۱: ۱۹۲). از جمله، هنگامی‌که عثمان اول (۶۹۸-۷۲۶ ق. / ۱۳۲۶-۱۲۹۹ م.) سرزمین‌های تحت حاکمیت خود را میان شخصیت‌های شناخته شده امیرنشین تقسیم می‌کرد، بخشی از اراضی توابع بیلجیک را به شیخ اِدبالی داد و عشر (مالیات) ده قوزآغاج را برای امرارمعاش شیخ ادبالی و یاران او در خانقاه اختصاص داد (hoca sadeddin efendi، ۱۹۷۴/۱: ۳۶-۳۷؛ اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۳۲).

۱. کسوت یعنی پوشیدن پیراهن بلند و سفید یا پالتوئی از پشم سفید یا سیاه در تمام فصول، به طوری که گویند فلان صوفی در تمامی ایام در کسوت به سر می‌برد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۹: ۳۵۷).

توجه ویژه عثمان اول به اخی‌ها باعث شد که آنان با حمایت عثمانی‌ها در آناتولی از شهرهای بزرگ گرفته تا روستاهای کوچک پراکنده شده و به صورت واحدهای گسترده درآمد و در آنجا ساکن شدند و خانقاه‌هایی تأسیس کردند (bayram, ۱۹۹۱: ۱۰۲). از آنجاکه این بطوطه در این دوره از مناطق بسیاری گذشته است و به توصیف گسترده تشکیلات اخی‌ها پرداخته است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۴۸-۳۸۲)، آشکار است که تشکیلات اخی‌گری در جامعه عثمانی در هر منطقه گسترده شده و خانقاه‌های آنان در سرتاسر قلمرو عثمانی گسترش یافته است. بدین ترتیب با گسترش خانقاه‌ها و فعالیت‌های اخی‌ها، تشکیلات اخی‌گری توانست به صورت سازمانی قدرتمند درآمد و موجودیت خود را تا مدت‌ها حفظ کند. قدرت اخی‌ها در مناطق مختلف به حدی رسید که در دوره امیرنشین‌ها، در شهرهایی که حاکمی نداشت، اداره شهرها را در دست گرفتند (رتانی، ۱۳۹۱: ۱۹۴).

بعد از مرگ عثمان اول، اورخان اول (۷۶۱-۷۲۶ ق. / ۱۳۶۰-۱۳۲۶ م.) با برخورداری از حمایت اخی‌ها که با برقراری مجلسی در زاویه اخی حسن جانشینی او را پذیرفتند، به جای عثمان نشست و متمایل به اخی‌ها گشت (togan, 1971: 346). وی اخی اورن را به عنوان کسی که صاحب کرامات و مستجاب‌الدعوه بود، بسیار محترم می‌شمارد (طاشکبری‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵؛ aşık paşazade, 2007: 485). اورخان اول به اندازه‌ای به اخی‌گری توجه داشت که حتی لباس و پوشش اخی‌ها را نیز در تشکیلات ارتش وارد کرد. او به نوبه خود در مناطق تازه فتح شده، زمین‌هایی جهت تأسیس خانقاه به اخی‌ها اختصاص داد و موقوفاتی معین کرد تا فعالیت انجمن اخی‌ها را از نظر مالی تأمین و تقویت کند. حمایت اورخان اول از اخی‌ها در حدی بود که وی بسیاری از وزرای خود را نیز از میان اخی‌ها برگزید (شاو، ۱۳۷۰، ج ۱: ۴۳؛ 482-485؛ gündüz, 2005, ç 1). اورخان اول برخی روستاها را با هدف تأسیس مراکز دینی و محافظت از آنان، وقف اخی‌ها کرد. سیاست تأسیس مراکز اوقاف در مناطق تازه فتح شده، به منظور مساعدت به اخی‌ها را سلیمان پاشا پسر اورخان اول نیز ادامه داد و برای نخبگان دینی مراکز وقفی مختلفی بنیان گذاشت (دورسون، ۱۳۸۱: ۱۹۱؛ اینالچق، ۱۳۹۴: ۹۶؛ barkan, 1942: 292)، بدین ترتیب اخی‌ها از گشاده‌دستی نخستین فرمانروایان عثمانی و اطرافیان آن‌ها بهره بردند. این مسائل روشن می‌سازد که اخی‌ها سهم به‌سزایی در استقرار حکومت عثمانی داشتند، به گونه‌ای که رهبران آغازین عثمانی درصدد حمایت از آنان و ایجاد موقوفه‌هایی برای آنان برآمدند و خانقاه‌هایی برای آنان تأسیس نمودند.

از آنجاکه ابن بطوطه نیز در سفرنامه‌اش اوصاف زیادی از فعالیت خانقاه اخی‌ها در این دوره بیان نموده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۵۹-۳۴۷)، می‌توان اذعان داشت که خانقاه اخی‌ها در این دوره فعالیت گسترده‌ای در قلمرو عثمانی داشت. رفته‌رفته اعتبار اخی‌ها و خانقاه آنان به جایی رسید که اخی‌ها حتی در تعیین سلطان عثمانی هم نقش داشتند. به عنوان نمونه در سال ۷۶۳ ق. / ۱۳۶۲ م. بنا به درخواست اخی‌ها، مراد اول به جای اورخان اول حکمران شد (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۶). در این دوره به دنبال درگذشت اورخان اول، اخی‌ها در آنکارا نفوذ بسیار یافته بودند؛ بنابراین اخی‌ها به تحریک قرامانیان نیروهای عثمانی را از آنکارا اخراج کرده و آنجا را تحت نفوذ خود درآوردند و آنکارا دچار خودمختاری نسبی شد. بدین ترتیب سلطان مراد اول (۷۶۱-۷۹۱ ق. / ۱۳۸۹-۱۳۶۰ م.) بی‌آنکه فرصت را از دست بدهد برای از میان برداشتن این خودمختاری به سوی آنکارا لشکر کشید. اخی‌ها که



دریافته بودند قادر به مقابله با سلطان مراد اول نیستند به استقبالش رفتند و آنکارا را تسلیم او کردند (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۷-۱۹۳: ۱۹۰، ۱: ۱۹۰-۱۹۳، ۱۹۸۷، neşri). سلطان مراد اول روابط حسنه‌ای با اخی‌ها داشت و به آنان اهمیت خاصی می‌داد. او حتی در کتیبه‌ای که بر یکی از زاویه‌های اخی‌ها نصب نموده بود، لقب اخی مراد را برای خود به کار برده بود (gündüz, 2005, 1: 482). سلطان مراد اول سیاست تأسیس مراکز اوقاف را نیز اجرا نمود. وی در اثنای فتوحات در سرزمین‌های روم ایلی، برای نخبگان دینی مراکز وقفی مختلفی بنیان نهاد. از جمله اینکه خانقاهی در مالقره به اخی‌یگان اختصاص داد. همچنین در سال ۷۶۶ ق. / ۱۳۶۵ م. برای اخی موسی در گلیبولی خانقاهی ساخت و موقوفات زیادی به آن بخشید (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۲: ۲۴۴؛ barkan, 1942: 292). سلطان مراد اول مراسم شدّ اخی موسی را نیز خود در خانقاه اخی‌ها انجام داد و طی اجازه‌نامه و وقف‌نامه‌ای که به اخی موسی رئیس اخی‌های گلیبولی داد چنین نوشت: «... به این وسیله شالی را که توسط اخی‌هایم بر کمر بسته بودم، به دست خویش بر کمر اخی موسی می‌بندم و او را مأمور مالقره می‌کنم و پس از ما او به جای ما خواهد بود...» (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۹۹). وی به اخی موسی اجازه داد که آن را به هر یک از فرزندان، خویشاوندانش یا هر یک از منتسبان طریقت واگذار کند و اجازه‌نامه طریقت را به او دهد و بگوید که جانشینم تویی که بعد از فوتشان از نظر شرع این امر ثابت شده باشد (gündüz, 2005, 1: 486). همان‌گونه که مشخص است نخستین فرمانروایان عثمانی فعالیت خانقاه اخی‌ها را مورد حمایت خود قرار داده و گاهی خود نیز وارد انجمن‌های اخی‌گری شدند. آنان در مقام کارگزاران انجمن‌های اخی‌گری، وحدت و نظم را به آناطولی بازگرداندند (شاو، ۱۳۷۰، ج ۱: ۴۳).

### ۳. افول خانقاه اخی‌ها در اثر مناسبات تقابلی حکمرانان عثمانی با اخی‌ها

باینکه در ادوار متقدم، اخی‌ها نقش مهمی در جامعه عثمانی بازی کردند و حکومتگران عثمانی هم وارد تشکیلات آن‌ها شدند، اما با فزونی یافتن تمرکزگرایی حکومت عثمانی، حکومت آن‌ها را تحت نظارت خود قرار داد (اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۵۵). به تدریج تعداد زیادی از علمای حنفی مذهب نیز وارد آناطولی شدند و تشکیلات مرکزی عثمانی قدرت گرفت و اخی‌ها اهمیت سیاسی خود را از دست دادند. عقاید اهل تسنن و نظرات صوفیانه آن‌ها نسبت به اخی‌ها حالت سلطه به خود گرفت. این جریان از زمان حکومت سلطان مراد اول، شروع به رشد کرد. تا آنکه در زمان سلطان بایزید اول کاملاً نمود پیدا کرد (امامی خوئی، ۱۳۹۲: ۱۲۵؛ کوپرلی، ۱۳۸۵: ۲۶۱). در واقع حاکمیت عثمانی بعد از آن که بر اساس نهادهای اسلام تسنن سازمان‌دهی شد، کارکرد تشکیلات اخی‌گری رنگ‌باخته و فعالیت در خانقاه‌ها محدود شد و اهمیت سیاسی اخی‌ها کاهش یافت و نفوذ مادی و معنوی خود را نیز از دست دادند.

کم‌کم زمانی که مدرسه و نهاد شیخ‌الاسلامی قدرت گرفت و با حکمرانان متحد شد و تسنن اقتدار یافت، اخی‌گری از قدرت حاکمه جدا شد (گولپینارلی، ۱۳۸۰: ۱۴۱؛ همان، ۱۳۷۵: ۲۵۸). به تدریج

حکمرانان عثمانی سیاست تعاملی خود را با اخی‌ها کنار گذارده و ضمن کنترل آنان، به تدریج سیاست تقابلی خود را اجرا کند. به طوری که شرطی مقرر کردند که اخی‌ها باها یعنی مشایخ اصناف از طرف دولت باید تأییدیه داشته باشند و در مواقع لزوم حتی دولت صلاحیت عزل آنان را هم داشته باشد (گولپینارلی، ۱۳۸۰: ۱۴۱). بدین ترتیب در اثر سیاست‌های جدید تقابلی عثمانی‌ها، سازمان اخی‌ها و خانقاه آنان اهمیت و اعتبار اندکی را هم که داشتند از دست دادند و نفوذ آنان در مسائل سیاسی بیش از پیش تقلیل یافت و صرفاً به صورت سازمانی درآمد که تنظیم امور اصناف را بر عهده داشت (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۹۰).

از طرفی نیز با تأسیس اوجاق<sup>۱</sup> بینی‌چری‌ها که پایگاه قدرت نظامی-سیاسی حکومت عثمانی بود، طریقت‌هایی چون بکتاشی‌گری هواداران بسیار زیادی پیدا کردند (امامی خوئی، ۱۳۹۲: ۱۴۵) که این مسئله را نیز می‌توان تا حدودی سهمیم در تنزل جایگاه اخی‌ها و خانقاه‌های آنان دانست. به طوری که آنچه از تشکیلات اخی‌گری باقی ماند، اغلب در بین اصناف و اهل صنایع به حیات خود ادامه داد (کوپرلی، ۱۳۸۵: ۲۶۱). می‌توان چنین گفت که قدرت‌گیری بکتاشیه و توجه حکمرانان عثمانی به این طریقت نیز از عوامل تضعیف موقعیت اخی‌ها و خانقاه‌های آنان محسوب می‌گردد. در واقع همه این عوامل مانع از ادامه فعالیت‌های گسترده خانقاه اخی‌ها به شکل پایدار شد.

در دوره سلطان محمد دوم (۸۸۶-۸۵۵ ق. / ۱۴۵۱-۱۴۸۱ م.)، اصناف تحت اداره حکومت درآمدند. در نتیجه با مداخله‌های حکومت در امور اصناف، اهل صنایع مجبور شدند از خانقاه‌ها خارج و وارد لونجاها<sup>۲</sup> شوند. این مسئله زمینه را برای پایان یافتن کار خانقاه‌های اخی‌گری آماده ساخت (torun, 2007, 452). بدین ترتیب پس از دوران سلطان محمد دوم و در اثنای کشمکش‌های صفوی-عثمانی، صفویه جانب اخی‌ها را گرفتند و در سرزمین عثمانی همراه علویان، اخی‌ها را نیز تحت نفوذ خود درآوردند. بدین ترتیب در قرون ۹-۱۰ ق. / ۱۵-۱۶ م. تشکیلات و خانقاه اخی‌ها به صورت یکی از عناصر تبلیغاتی صفویه درآمد و سازمانی وابسته به ایران گردید؛ اما استیلای عثمانی‌ها به این تفوق نیز پایان داد و خانقاه اخی‌ها حامی خویش یعنی صفویه را نیز از دست دادند (گولپینارلی، ۱۳۷۵: ۲۵۸؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۷: ۳۵۶) و با توسعه امپراتوری عثمانی به عنوان حکومتی مقتدر و متمرکز، حکومت اغلب خانقاه‌ها را منحل کرد، زیرا اکثر خانقاه‌ها در عین حال که از معافیت‌های مالیاتی بهره می‌بردند، کارکردهای خود را از دست داده بودند و تا زمانی که وقف بودند، حکومت قادر نبود از اراضی وابسته به آن‌ها برای اهداف مالی و نظامی استفاده کند. در نتیجه حکومت خانقاه‌هایی را که در مسیر راه‌ها واقع نبودند و به مسافران خدماتی ارائه نمی‌کردند و نیز خانقاه‌هایی را که درآمد خود را صرف بناهای خیری که احداث کرده بودند، نمی‌کردند، منحل کرد. چراکه حکومت قادر به انحلال اوقاف و تملک اراضی آن‌ها بود (اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۵۳). بدین ترتیب کاهش روزافزون نفوذ اخی‌ها در میان عثمانی‌ها، سبب شد که از این دوره به بعد اطلاعات مربوط به اخی‌ها و خانقاه آنان نیز کمتر شود و گمان می‌رود که اکثر خانقاه‌های اخی‌ها هم از میان رفته باشند، هرچند هنوز تعداد

۱. خاندان.

۲. در محافل لونجاها با آنکه مراسم انجام می‌شد و راهنمایی‌ها صورت می‌گرفت اما سلسله مراتب متفاوتی داشت و بر خلاف محافل اخی‌ها تربیت اخلاقی و دینی در آنجا صورت نمی‌گرفت و همه حق حضور در جلسات را نداشتند و فقط استادان و پیران می‌توانستند شرکت کنند. چیراق‌ها و خلفا نیز در صورت دعوت اجازه شرکت داشتند (torun, ۲۰۰۷: ۴۵۲).

بسیار کمی از آنان در بعضی صنف‌های جامعه ترک باقی‌مانده بود (رضوی، ۱۳۹۵: ۶۷)، به طوری که در دوره سلطان سلیمان اول (۹۷۴-۹۲۷ ق. / ۱۵۶۶-۱۵۲۰ م.) در قونیه دو برادر از عالمان آن زمان به نام‌های محمد و احمد ملقب به اخوین که پدرشان نیز پیر صنف دباغ و پیر خانقاه بود، به اخی‌زاده معروف بودند (ثریا، ۱۳۱۶، ج ۴: ۱۱۶؛ عطائی، ۱۹۸۹، م: ۸ و ۵۷). همچنین سلطان سلیمان اول برای حیازت روستاهایی که در جریان جنگ با ایران دچار ویرانی شده بودند، جواز احداث خانقاه‌هایی را در مسیر ارضروم صادر کرد. با این وجود تنزل جایگاه اخی‌ها تا اواخر قرن یازدهم هجری قمری/ هفدهم میلادی ادامه داشت، به گونه‌ای که رفته‌رفته روبه‌زوال رفت (اینالجق، ۱۳۹۴: ۲۵۳). می‌توان چنین نتیجه گرفت که زمانی که قدرت حکومت عثمانی افزایش یافت و سیاست تمرکزگرایی را در پیش گرفت، سیاست نظارت و حتی کنترل بر اصناف و تشکیلات اخی‌گری را در دستور کار خود قرار داد که این اقدامات منجر به کاهش شدید فعالیت خانقاه اخی‌ها در قلمرو دولت عثمانی گشت و زمینه زوال اخی‌گری را فراهم ساخت.

#### ۴. نقش خانقاه‌ها در روابط معنوی و فرهنگی اخی‌ها با حکومت عثمانی

خانقاه‌ها از مهم‌ترین بخش‌های تشکیلاتی اخی‌گری محسوب می‌شدند و با توجه به اینکه اخی‌ها در تشکیل دولت عثمانی منشأ خدمات ارزنده‌ای بودند، معمولاً در هر شهر خانقاه‌های متعددی داشتند. در سرزمین تازه فتح‌شده تراکیا نیز، اخی‌ها خانقاه‌های بسیاری بنا کرده بودند (اینالجق، ۱۳۹۴: ۲۵۲). غیر از اعضای رسمی، قضات، مدرسان، پزشکان، خطبا، امرا و بزرگان نیز در زاویه‌ها رفت‌وآمد می‌کردند (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۱؛ Çagatay، ۱۹۸۹: ۱۲۱-۱۲۲). اخی‌ها هر شب در آنجا گرد می‌آمدند و شام را با یکدیگر می‌خوردند و پس از آن دسته‌جمعی به نواختن ساز و خواندن اشعار سرگرم می‌شدند و روش سماع صوفیان را اجرا می‌کردند (نفیسی، ۱۳۴۶: ۱۴۶). حضور مدام اخی‌ها در خانقاه‌ها باعث شد که اخی‌گری معنای تشکیلاتی نیز به خود گرفت، به طوری که اخی‌ها سرپرست مهمان‌نوازی و دستگیری از مردم شدند و در خانقاه‌ها از آن‌ها پذیرائی می‌کردند (نیرومند، ۱۳۶۴: ۱۸۳؛ حاکمی، ۱۳۸۲: ۱۲۸) و بدین ترتیب توده عظیمی از مردم را جذب خود و حکومت عثمانی می‌کردند.

یکی از مسائل مهم ارتباط اخی‌ها با حکومت عثمانی، فعالیت‌های فرهنگی اخی‌ها در خانقاه‌های قلمرو عثمانی بود. توانمندی‌های مادی و معنوی تشکیلات اخی‌گری تا حدود زیادی مصروف تکوین و تحول مدنی و فرهنگی آناتولی می‌شد. اخی‌ها که شهره به صفات انسانی همچون شجاعت و قهرمانی بودند، در زمره کسانی بودند که در تُرک‌نشین کردن آناتولی و گسترش اسلام در آن منطقه نقش مؤثری داشته‌اند. این جریان در رشد و ارتقای زبان، ادبیات و رواج آداب و رسوم نقش پررنگی داشته است (شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۹؛ اوجاق و بایرام، ۱۳۸۴: ۱۵۸). بدین ترتیب می‌توان گفت فعالیت‌های فرهنگی اخی‌ها یکی از جنبه‌های تعامل میان اخی‌ها و دولت عثمانی بود و خانقاه‌ها مهم‌ترین جایگاه برای گردآمدن اخی‌ها برای انجام این فعالیت‌های فرهنگی محسوب می‌شدند. یکی از مهم‌ترین اقدامات اخی‌ها در خانقاه‌ها، درزمینه فرهنگی، کمک به سنت آموزش و یادگیری بود. زمانی که اخی‌گری در قلمرو عثمانی گسترش یافته بود، در خانقاه‌ها، پادگان‌ها،

مسافرخانه‌ها و کاروانسراها، سیره نبوی، حمزه‌نامه، فتوت‌نامه و آثاری همانند این‌ها خوانده می‌شد و اخی‌ها در این امر نقش فعالی داشتند. در مجامع فرهنگی و خاص، دیوان‌ها، مثنوی‌ها، حماسه‌نامه‌ها و جهادنامه نیز خوانده می‌شد. این وضعیت در جامعه عثمانی نوعی وحدت فرهنگی ایجاد کرده بود (demirpolat, akça, ۲۰۰۴: ۳۶۸). در خانقاه‌ها علاوه بر آموزش سواد و تزریق اطلاعات دینی، علمی و ادبی، خواندن قرآن کریم و آموزش زبان‌های ترکی، عربی و غیره نیز مورد توجه بود. همچنین برای افرادی که استعداد و توانایی داشتند یا خود راغب به یادگیری بودند، دروسی همچون خوشنویسی و موسیقی نیز آموزش داده می‌شد. در نتیجه این آموزش‌ها در خانقاه‌ها، اخی‌های اصناف مختلف قادر به خواندن آثار علمی شده و بر موضوعات علمی آگاهی یافته و درصدد بهره‌مندی از آن برمی‌آمدند. اخی‌ها آثار دینی، تاریخی و علمی را مورد توجه قرار دادند و به درجه‌ای نائل شدند که خودشان توان شعر گفتن و حماسه‌نویسی را کسب کردند (ekinci, ۱۹۹۱: ۲۸; ekinci, ۱۹۹۰: ۳۷; demirpolat, akça, ۲۰۰۴: ۳۶۸; ozköse, ۲۰۱۱: ۱۲). در واقع می‌توان گفت توانمندی‌های فکری و معنوی اخی‌ها تحولات عمیقی را در جامعه عثمانی سبب شده است، زیرا اخی‌ها با تعلیمات علمی و دینی خود در خانقاه‌ها، سبب رواج ادبیات ترکی و گسترش اسلام شده و وحدت فرهنگی را برای جامعه عثمانی به ارمغان آوردند.

بیشترین اطلاعات درباره خانقاه‌ها و تشکیلات اخی‌ها، در آناتولی در نیمه اول قرن ۸ ق. / ۱۴ م. در سفرنامه ابن بطوطه موجود است که در آن سده در آن سرزمین سیاحت کرده است. ابن بطوطه در شهرهای مختلف آناتولی به خانقاه‌های مختلف اخی‌ها برخورد و مهمان آنان شده است. بدین‌سان وی درباره اخی‌ها و خانقاه‌های آن‌ها و احترامی که از جانب آن‌ها دیده، به تمجید از آن‌ها پرداخته است. وی درباره اخی‌ها و خانقاه‌های آن‌ها می‌نویسد: «دسته اخیه‌الفتیان یا برادران جوانمرد در هر شهر و آبادی و قریه از بلاد روم وجود دارد. این گروه در غریب‌نوازی و اطعام و برآوردن حوائج مردم و دستگیری از مظلومان و کشتن شرطه‌ها و سایر همدستان آن‌ها از اهل شر در تمام دنیا بی‌نظیرند. اخی در اصطلاح آن نواحی کسی را گویند که از طرف همکاران خود و سایر جوانان مجرد به‌عنوان رئیس و پیشکسوت انتخاب می‌شود. این طریقت را فتوت نیز می‌نامند. پیشکسوت هر یک از گروه‌ها خانقاهی دارد مجهز به فرش و چراغ و سایر لوازم. اعضای وابسته به هر کدام از گروه‌ها آنچه را از کاروکاسبی به دست می‌آورند، هنگام عصر تحویل پیشکسوت خود می‌دهند و این وجوه صرف خرید و میوه و خوراک می‌شود که در خانقاه به مصرف می‌رسد. این جماعت مسافرینی را که وارد شهر می‌شوند در خانقاه خود منزل می‌دهند و مسافر تا هنگامی که بخواهد آن شهر را ترک کند مهمان آنان تلقی می‌شود. اگر شبی مسافر نرسید غذایی را که تهیه می‌شود خودشان می‌خورند و سپس به رقص و آواز می‌پردازند تا فردا دوباره بر سر کسب و کار خود بروند و با آنچه را که به دست می‌آورند وقف خانقاه سازند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۴۸-۳۴۷). وی در جای دیگر می‌گوید: «اخی‌ها به واردین مرکب و جامه می‌بخشند و از هرکسی درخور قدر و مقام او پذیرایی می‌کنند» (همان، ج ۱: ۳۵۹). در واقع اطلاعات ابن بطوطه درباره اخی‌ها، گویای این مسئله است که سازمان اخی‌ها و خانقاه‌های آنان در سرتاسر آناتولی گسترده بوده و در نظام‌مند کردن حیات اجتماعی آناتولی نیز نقش مهمی ایفا کرده است.



در خانقاه‌ها اخی‌ها به فعالیت‌های ورزشی نیز اهتمام می‌ورزیدند. اخی‌ها که جنگاور و از لحاظ قوای بدنی قدرتمند بودند، به جوانان خانقاه انواع ورزش‌ها از جمله سوارکاری و تیراندازی آموزش می‌دادند. این مسئله سبب شده بود که حتی برخی از مردم نیز فرزندان خود را برای تربیت و تکمیل قوای بدنی نزد اخی‌ها بفرستند (کرین، ۱۳۸۳: ۱۰۸؛ çagatay, 1989: 245). اخی‌ها در خانقاه‌ها به دختران خود خانه‌داری و شوهرداری نیز می‌آموختند؛ اما معمولاً زنان را به سازمان آنان راه نبود (çagatay, 1989: 244). بدین ترتیب پرداختن به چنین مسائلی در خانقاه‌ها به نوعی در غنی‌سازی فرهنگی جامعه عثمانی تأثیرگذار بود.

در مجموع می‌توان ادعان داشت که عثمانی‌ها با تأسیس خانقاه‌های بسیار برای اخی‌ها در مناطق مختلف قلمروشان و اختصاص موقوفات به آن‌ها، با اخی‌ها پیوند یافته و آن‌ها را به خود وابسته نمودند. بنا کردن خانقاه‌ها را می‌توان نوعی خدمت اجتماعی نیز قلمداد کرد. چراکه از طرفی در این خانقاه‌ها، باورهای صوفیانه و مذهبی اخی‌ها تبلیغ و در تحولات اجتماعی نقش چشمگیری ایفا می‌کرد و دامنه تأثیرگذاری آنان طیف وسیعی از جامعه را در برمی‌گرفت. در واقع رواج باورها و عقاید و آداب و سنن اخی‌ها باعث جذب طبقات مختلف اجتماعی اعم از اشراف و مردم عادی می‌شد. از طرفی هم نوعی آباد کردن مناطق مختلف و تأمین امنیت راه‌ها محسوب می‌شد. بدین ترتیب خانقاه‌ها تأثیر فراوانی در حیات معنوی، اجتماعی و فرهنگی عثمانی ایفا نمودند و به عنصری مهم در برقراری روابط تعاملی اخی‌ها با جامعه عثمانی بدل گشتند.

## ۵. نقش خانقاه‌ها در روابط تجاری و اقتصادی اخی‌ها با حکومت عثمانی

گسترش خانقاه اخی‌ها در قلمرو عثمانی این مسئله را در پی داشت که در همه شهرها هر گروه از اصناف و پیشه‌وران طبق مبانی فتوت در خانقاه‌ها به فعالیت پرداخته و به رهبری یک اخی که از میان اعضای خود انتخاب می‌کردند، سازمان‌دهی می‌شدند (اینالجق، ۱۳۹۴: ۲۵۵). به عبارتی می‌توان گفت توجه اخی‌ها به شاخه‌های مختلف صنایع باعث می‌شد که اخی‌ها در تکوین و گسترش صنعت و تجارت شهرها نقش مؤثری ایفا کرده و در حیات اقتصادی جامعه عثمانی سهیم باشند. این مسئله یعنی نقش اخی‌ها در توسعه تجارت و حتی صنعت در قلمرو عثمانی را، می‌توان یکی از دلایل مهم در حمایت و پشتیبانی حکومت عثمانی از اخی‌ها قلمداد کرد.

در سازمان اخی‌های امپراتوری عثمانی، به رؤسای صنف دباغان و سراجان اخی بابا اطلاق می‌شد. گاهی به رؤسای سایر صنفا نیز اخی بابا گفته می‌شد (pakalin, 1983, ç: 1: 23). روابط استاد شاگردی آنان همانند مرید و مراد بود. اخی‌ها روابط استاد شاگردی را در شاخه‌های مختلف صنایع تنظیم و هدایت می‌کردند (çagatay, 1989: 191). کسی که به مقام اخی بابا برگزیده می‌شد، لازم بود متقی و دست‌کم تحت آموزش سه استاد در صنف مربوط قرار گرفته باشد. صنف دباغان به ۳۲ شعبه تقسیم گشته و در آناتولی، شبه‌جزیره بالکان و کریمه به صورت سازمان وسیعی درآمد. بدین ترتیب اخی بابای دباغان بر سازمان‌های دیگر صنفا ترک در آناتولی و ایالات اروپایی امپراتوری (به‌غیر از ممالک عرب نشین) ریاست داشته و آنان را زیر نفوذ خود درآورده بود (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۹۰؛ çagatay, 1989: 84-85). پذیرش اعضای جدید

در تشکیلات اخی‌ها و اجرای مراسم مخصوص پذیرش در خانقاه‌ها که عبارت از بستن کمر بند مخصوص<sup>۱</sup>، صدور اجازه، پوشانیدن شلوار مخصوص و نوشاندن آب‌نمک بوده، از وظایف مهم اخی باباها به شمار می‌آمده است. اخی باباها همچنین برای رفع اختلافات و منازعات میان محلات، حق داوری داشتند و نظر آنان مورد احترام و قبول اعضا بود. به هنگام بروز اختلاف بین اعضای شورای مشورتی هم تصمیم نهایی با اخی بابا بود. سرپیچی از دستورات وی نیز مجازات سختی در پی داشت. همچنین محاکمه و مجازات اعضای خطاکار تشکیلات اخی‌ها نیز بر عهده آنان بود (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۹۰). با این تفاسیر مشخص می‌شود که خانقاه‌ها به عنوان مرکزی برای فعالیت اصناف و رؤسای آنان نیز عمل می‌کرده است. لذا در گسترش صنعت و تجارت در قلمرو عثمانی نقش مؤثری ایفا کرده است. در این میان اخی باباها نسبت به سایر اخی‌ها مسئولیت‌های مهم‌تری را در خانقاه‌ها عهده‌دار بودند. آنان با فعالیت در اصناف مختلف، مدیریت امورات صنفی را نیز در قلمرو عثمانی عهده‌دار گشته و بدین ترتیب نقش مهمی در روابط تعاملی سازمان اخی‌گری با حکومت عثمانی ایفا نمودند. این نقش مهم آن‌ها باعث شده بود که سلاطین عثمانی هم از آن‌ها حمایت و طرفداری کنند و به مراسم‌های آن‌ها احترام بگذارند و موقوفات بسیاری برای خانقاه‌های اخی‌ها اختصاص دهند و زمینه فعالیت‌های صنفی و تجاری اخی‌های خانقاه‌ها را نیز فراهم سازند.

## ۶. نقش شخصیت‌های برجسته اخی‌ها در خانقاه‌ها

در سده‌های آغازین حکومت عثمانی اخی‌های فراوانی وجود داشتند که در امپراتوری عثمانی وظیفه مهمی ایفا می‌کردند (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۳؛ شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۹). از جمله بزرگان اخی‌های این دوره که در خانقاه‌ها نقش مهمی ایفا کردند، می‌توان به شیخ ادبالی، تورسون، اخی حسن، قره خلیل و اخی یعقوب اشاره کرد. بسیاری از دولتمردان و دانشمندان معاصر با پادشاهان عثمانی نیز از بزرگان خانقاه اخی‌ها به شمار می‌آمدند (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۹۹؛ کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۳؛ طاشکبری‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۶ مقدمه).

شیخ ادبالی از رؤسای اخی‌ها بود و خانقاهی در قونیه دایر نمود. هنگامی که عثمان اول در سُگوت به سر می‌برد، شیخ ادبالی از متنفذترین و معتبرترین شیوخ اخی‌های این منطقه بود و مقام شیخیت خانقاهی بزرگ را در حوالی سُگوت به دست گرفت (اوجاق و بایرام، ۱۳۸۴: ۱۱۶). شیخ ادبالی در محلی به نام ایت بورنی در نزدیکی اسکی شهر خانقاه داشت و ساکن آنجا بود. آن هنگام که شیخ با اخذ تحصیلات عالی فقه در شام بر شهرتش افزوده شد (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲۵ و ۶۳۲)، عثمان اول برای جلب رضا و دعای شیخ گاهی به خانقاه و زاویه<sup>۲</sup> او می‌رفت و چند روزی در آنجا با مریدان شیخ زندگی می‌کرد (منجم‌باشی، ۱۳۹۳: ۶۴). به طوری که شیخ با ارشاد عثمان اول مؤسس دولت عثمانی و بستن شمشیری بر کمر او بنا بر رسم اخی‌گری، باعث شد که عثمان

۱. قوشاق.

۲. هر خانقاه متشکل از چندین زاویه بود. زاویه محل عبادت و سکونت مرشد و مریدانش و پذیرائی از مسافران و دانشجویان علوم مذهبی بود و به عنوان پناهگاهی برای مهاجران عمل می‌کرد (بیلگی آبادانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۹؛ اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۵۱-۲۵۲).



اول مقام غازی پیدا کند (هولت، ۱۳۸۸: ۳۶۵؛ گولپینارلی، ۱۳۸۲: ۳۹۱؛ barkan, inalcik, 1999: 18; 1942: 288). انجام رسومات اخی‌گری و کمر بستن از جانب شیخ ادبالی نشان از جایگاه مهم او در خانقاه اخی‌ها و عمق ارتباط وی با حکمرانان عثمانی است. عثمان اول از آنجاکه علاقه خاصی به شیخ ادبالی داشت، او را به مقام مفتی و مشاور دینی و حقوقی قلمرو خود انتخاب کرد (انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۸؛ اوجاق و بایرام، ۱۳۸۴: ۱۱۶). بدین ترتیب جایگاه شیخ ادبالی در دولت عثمانی مستحکم گشت و عثمان از فضیلت‌های معنوی و توانمندی‌های حکومتی شیخ ادبالی در امورات دولتی بهره جست. وی در خانقاه و نزد اخی‌ها نیز همواره از جایگاه خاصی برخوردار بود.

تورسون نیز از علمای مشهور دوره عثمان اول بود. وی شاگرد و داماد شیخ ادبالی بود که به مسلک اخی‌گری گرایش داشت و حکومت عثمانی از تعلیمات او در خانقاه‌ها و مدارس در زمینه‌های فقه و حدیث و تفسیر بهره می‌برد. وی در دولت عالیه، نخستین قاضی و نخستین مفتی بود (سامی، ۱۳۱۱، ج ۴: ۳۰۲۰؛ گولپینارلی، ۱۳۷۸: ۲۰۱). می‌توان گفت تعلیمات دینی و فقهی تورسون در خانقاه‌ها از طرفی تأثیر عمیقی در افکار اخی‌ها برای درک بهتر ارزش‌های دینی و اخلاقی داشته است و از طرفی دیگر با تقویت رفتارهای صوفیانه آنان باعث ایجاد اشتیاق نظامی در راه جنگ و جهاد می‌شده است.

اخ‌ی حسن نیز که پسر اخ‌ی شمس‌الدین و برادرزاده شیخ ادبالی بود، یکی از خواص صاحب کرامات و دارای حال و ذوق عارفانه بود (طاشکبری‌زاده، ۱۳۸۹: ۸؛ منجم‌باشی، ۱۳۹۳: ۸۵). وی بعد از وفات عثمان وظایف مهمی را عهده‌دار شد. به طوری که وی در رأس اخی‌هایی قرار داشت که حکومت را به اورخان اول سپردند. او از جمله فرماندهان و مشاوران نزدیک اورخان اول نیز بوده است (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۴۰). اورخان اول در بروسه، مسجد، خانقاه و زاویه‌ای نیز به نام اخ‌ی حسن بنا کرد (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۰۶؛ 1: 483, gündüz, 2005). اخ‌ی حسن در بروسه در درون حصار، نزدیک بیگ‌سرای نیز تکیه داشت (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۳).

قره خلیل نیز از جمله افراد برجسته خانقاه اخی‌ها بود که از خویشاوندان شیخ ادبالی و از مهم‌ترین اخی‌های صاحب تشکیلات و سازمان آناتولی بود که در حکومت عثمانی به سمت قضاوت، قاضی عسگری، وزارت و فرماندهی لشکر رسید و خدمات ارزنده‌ای به حکومت عثمانی کرد (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸؛ سامی، ۱۳۰۸، ج ۳: ۲۰۷۲؛ عربخانی، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۱۰۰).

اخ‌ی یعقوب نیز پسر محمد پاشا و نوه شیخ ادبالی بود. وی شیخ خانقاهی بود که در سال ۷۶۱ ق. / ۱۳۵۹ م. به دستور اورخان اول ساخته شده بود (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۳۳). اخ‌ی یعقوب در دوره سلطان مراد دوم، با همکاری سایر اخی‌ها در حادثه دوزمجه مصطفی، به شکلی مناسب شهر بروسه را از آسیب حمله وی نجات داد (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۳؛ شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۹). ناگفته پیداست که در دوره‌های اولیه حکومت عثمانی که تشکیلات دولتی هنوز در وضع ابتدایی قرار داشت، فعالیت‌های پررنگ رهبران اخی‌ها در خانقاه‌ها و وظایف مهمی که عهده‌دار بودند، اثرات مثبتی را در جامعه عثمانی به ارمغان می‌آورد. توجه و حمایت حکمرانان عثمانی و گروه‌های مختلف اجتماعی به آنان نیز باعث افزایش دامنه فعالیت‌های آنان در خانقاه‌ها می‌شد.

## نتیجه‌گیری

خانقاه‌ها مؤسسات موقوفه‌ای بودند که برای اقامت، خلوت و عبادت متصوفه و خدمات‌رسانی به مسافران مورد استفاده قرار می‌گرفتند. به دلیل اینکه در زمان شکل‌گیری حکومت عثمانی، اخی‌ها خدمات ارزنده‌ای به عثمانی‌ها کردند، تشکیلات اخگیری مورد توجه و عنایت حکومت عثمانی قرار گرفته و در اکثر نقاط قلمرو عثمانی موقوفه‌هایی به آنان اختصاص داده شد و خانقاه‌هایی تأسیس گردید. خانقاه‌ها، علاوه بر اینکه در تبلیغ و ترویج باورهای صوفیانه و مذهبی اخی‌ها نقش مؤثری داشت، به نوعی هم در آباد کردن مناطق مختلف و تأمین امنیت راه‌ها نقش مؤثری ایفا می‌نمود. بدین ترتیب خانقاه‌ها تأثیر فراوانی در حیات معنوی، اجتماعی و فرهنگی عثمانی ایفا نمودند و به عصری مهم در برقراری روابط اخی‌ها با جامعه عثمانی بدل گشتند. از طرفی نیز توجه اخی‌ها به شاخه‌های مختلف صنایع و ارتباط اصناف با خانقاه باعث شد که اخی‌ها در تکوین و گسترش صنعت و تجارت شهرها نقش مؤثری ایفا کرده و در حیات اقتصادی جامعه عثمانی سهیم باشند. با گسترش خانقاه‌ها و فعالیت‌های اخی‌ها، تشکیلات اخی‌گری توانست به صورت سازمانی قدرتمند درآمد و موجودیت خود را تا مدت‌ها حفظ کند و در خانقاه‌ها به فعالیت بپردازد؛ اما به تدریج با ثبات قدرت مرکزی حکومت عثمانی، از اهمیت تشکیلات اخی‌گری کاسته شد و فعالیت در خانقاه‌ها محدود شد. در واقع هنگامی که مدرسه و نهاد شیخ‌الاسلامی قدرت گرفت و با حکمرانان متحد شد و تسنن اقتدار یافت، تشکیلات مرکزی عثمانی قدرت گرفت و اخی‌گری از قدرت حاکمه جدا شد و سازمان اخی‌ها و خانقاه آنان اهمیت خود را دست داد. از طرفی نیز با تأسیس لشکر ینی‌چری که پایگاه قدرت سیاسی و نظامی حکومت عثمانی بود، جایگاه سیاسی اخی‌ها کاهش یافت و نفوذ مادی و معنوی خود را نیز از دست دادند و اخگیری به صورت سازمانی درآمد که صرفاً تنظیم امور اصناف را بر عهده داشت. تا آنکه رفته‌رفته بعد از قرن دهم هجری قمری تضعیف، قدرت اخی‌ها به جایی رسید که راه زوال را در پیش گرفت و حکومت عثمانی بسیاری از خانقاه‌های اخی‌ها را منحل کرد.

## کتاب‌نامه

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، (۱۳۷۶)، **سفرنامه ابن بطوطه**، ترجمه محمدعلی موحد، بی‌جا: آگاه. احسان اوغلو و دیگران، (۱۳۹۷)، **دولت و جامعه در دوره عثمانی**، ترجمه علی کاتبی و توفیق هاشم‌پور سبحانی، مهدی گلچین عارفی، حجت فخری، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: کتاب مرجع.

افشاری، مه‌رمان و مهدی مداینی، (۱۳۸۱)، **چهارده رساله در باب فتوت و اصناف**، تهران: نشر چشمه. امامی خوئی، محمدتقی، (۱۳۹۲)، **ترکان، اسلام و علوی‌گری-بکتاشی‌گری در آناتولی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

\_\_\_\_\_، (۱۳۹۶)، **تاریخ امپراتوری عثمانی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

انتخابی، نادر، (۱۳۹۵)، **دین، دولت و تجدد در ترکیه**، تهران: هرمس. اوجاق، احمد یاشار و میکائیل بابرام، (۱۳۸۴)، **جنبش‌های عرفانی-سیاسی در زمان سلجوقیان**، ترجمه محمدتقی امامی خوئی، تهران: گواه.

اوزون چارشی‌لی، اسماعیل حقی، (۱۳۷۷)، **تاریخ عثمانی**، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: کیهان.

\_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، **تاریخ عثمانی**، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: کیهان. اینالچق، خلیل، (۱۳۹۴)، **امپراتوری عثمانی عصر متقدم ۱۶۰۰-۱۳۰۰**، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت.

برزلی، اصغر، (۱۳۷۶)، **دیباچه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف**، بناب: انتشارات اعظم بناب.

ثریا، محمد، (۱۳۱۶ ق)، **سجل عثمانیه، تذکره مشاهیر عثمانی**، استانبول: بی‌نا.

حاکمی، اسماعیل، (۱۳۸۲)، **آیین فتوت و جوانمردی**، تهران: اساطیر.

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، (۱۳۷۷)، **اخی**، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

دورسون، داود، (۱۳۸۱)، **دین و سیاست در دولت عثمانی**، ترجمه منصوره حسینی و داود وفائی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رتانی، زهرا، (۱۳۹۱)، **فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم**، تهران: علمی و فرهنگی.

رضوی، مسعود، (۱۳۹۵)، **تاریخ و فرهنگ جوانمردی**، تهران: اطلاعات.

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۶)، **ارزش میراث صوفیه**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

\_\_\_\_\_، (۱۳۶۷)، **جستجو در تصوف ایران**، تهران: امیرکبیر.

سامی، شمس‌الدین، (۱۳۰۶ ق)، **قاموس‌الاعلام**، استانبول: مطبوعه مهران.

\_\_\_\_\_، (۱۳۰۸ ق)، **قاموس‌الاعلام**، استانبول: مطبوعه مهران.

\_\_\_\_\_، (۱۳۱۱ ق)، **قاموس‌الاعلام**، استانبول: مطبوعه مهران.

شاو، استانفورد جی، (۱۳۷۰)، **تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید**، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.

شکر، محمد، (۱۳۸۵)، **سلجوقیان**، ترجمه نصرالله صالحی و علی ارطغرل، قم: انتشارات ادیان.



طاشکبری زاده، عصام‌الدین احمد، (۱۳۸۹)، *الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانیه*، تصحیح و تحقیق محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

عربخانی، رسول، (۱۳۹۴)، *تاریخ عثمانی و خاورمیانه*، تهران: دانشگاه پیام نور.  
عطائی، عطاءالله، (۱۹۸۹ م)، *حدائق الحقائق فی تکمله الشقائق*، به کوشش عبدالقادر اوزجان، استانبول: بی‌نا.

کربن، هانری، (۱۳۸۳)، *آیین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، تهران: سخن.  
کوپریلی، محمدفؤاد، (۱۳۸۵)، *صوفیان نخستین در ادبیات ترک*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کیانی، محسن، (۱۳۶۹)، *تاریخ خانقاه در ایران*، تهران: کتابخانه طهوری.  
کیائی‌نژاد، زین‌الدین، (۱۳۸۹)، *سیر عرفان در اسلام*، تهران: انتشارات اشراقی.  
کین راس، لرد، (۱۳۷۳)، *قرون عثمانی، ظهور و سقوط امپراتوری عثمانی*، ترجمه پروانه ستاری، تهران: کهکشان.

گولپینارلی، عبدالباقی، (۱۳۷۵)، *مولانا جلال الدین، زندگی، فلسفه، آثار و گزیده‌های از آنها*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، *مولویه پس از مولانا*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: نشر علم.  
\_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، *تصوف در یکصد پرسش و پاسخ*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: احیا کتاب.  
\_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، *فتوت در کشورهای اسلامی و مأخذ آن*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: روزنه.  
\_\_\_\_\_، (۱۳۷۸)، *ملامت و ملامتیان*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: روزنه.  
لاپیدوس، ایرا م. (۱۳۸۷)، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.

مبلغی آبادانی، عبدالله، (۱۳۷۶)، *تاریخ صوفی و صوفیگری*، قم: حرّ.  
مدرسی چهاردهی، نورالدین، (۱۳۸۹)، *سیری در تصوف در شرح حال مشایخ و اقطاب*، تهران: انتشارات اشراقی.

منجم باشی، احمد بن لطف‌الله، (۱۳۹۳)، *تاریخ منجم باشی یا صحایف الاخبار فی وقایع الآثار*، از *تشکیل دولت عثمانی تا پایان سلطنت سلیمان خان قانونی*، ترجمه نصرت‌الله ضیائی، تهران: مهراندیش.

نقیسی، سعید، (۱۳۴۶)، *سرچشمه تصوف در ایران*، تهران: کتابفروشی فروغی.  
نیرومند، کریم، (۱۳۶۴)، *تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن*، زنجان: کتابفروشی ستاره.

هولت، پی. ام و آن. ک. س. لمبتون، (۱۳۸۸)، *تاریخ اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر.  
Aşık paşazade, (2007), *Tevarih-i Al-i Osman (Osman oğullarının Tarihi)*, hazırlayanlar Kemal Yavuz-M. A. Yekta Saraç, ğok kubbe, İstanbul.

Barkan, ö. Lütfi, (1942), *kolanizatör türk dervişleri*, Vakıflar Dergisi, c. II, Ankara.

Bayram, Mikail, (1991), *Ahi Evren ve Ahi Teşkilatının Kuruluşu*, Konya.

- Çağatay, Neşet, (1989), *Bir türk kurumu Olan Ahilik*, Ankara.
- Ekinci, Yusuf, (1990), *Ahilik ve Meslek Eğitimi*, Ankara, Mili Eğitim Bakanlığı Yayınları.
- \_\_\_\_\_, (1991), *Ahilik ve Esnaf Ahlaki*, Standart Dergisi, sayı 351.
- Hoca Sadeddin Efendi, (1974), *Tacut-Teavil*, sadeiestiven, İsmet Parmaksizoğlu, İstanbul, Başbakanlık Kültür Müstearılığı Yayınları.
- İnalçık, Halil, (1999), *Ahilik, Toplum, Devlet, II. Uluslararası Ahilik Kültürü Sempozyumu Bildirileri*, Ankara, Kültür Bakanlığı Yayınları.
- Neşri, Mehmed, (1987), *Kitab-i Cihannüma*, nşr. F.R.Unat-M.A. Köymen, 2.baskı, Ankara.
- Pakalin, M. Z. (1983), *Osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü*, İstanbul.
- Tezcan, Mahmut, (1989), *Sosyal Değişme Süreğinde Çankiri Yaran Sohbetleri*, Kültürel Antropolojik Yaklaşım, Ankara.
- Togan, Z. Velidi, (1971), *Umumi Türk Tarihine Giriş*, İstanbul, 1971.
- Demirpolat, Anzavur, Gürsoy Akça, (2004), *ahilik ve Türk Sosyo-Kültürel Hayatına Katkıları*, Selçuk Üniversitesi Türkiyat Araştırma Dergisi 15.
- Gündüz, Ahmet, (2005), *Beylikler ve Osmanlı Devletinin Kuruluşunda Ahilerin Siyasi ve Askeri Rolü*, G. U. I. Ahi Evran-i veli ve Ahilik Araştırmaları Sempozyumu (12-13 Ekim 2004 Kırşehir) Makaleleri, Hazırlayan M. Fatih Koksall, Kırşehir.
- Özköse, Kadir, (2011), *Ahilikte Ahlak ve Meslek Eğitimi*, Cumhuriyet Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, XVI2.
- Tekin, Mustafa, (2006), *Bir Sosyal Kontrol Aracı Olarak Ahilik ve Toplumsal Dinamikleri*, Selçuk Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, 21.
- Torun, Ali, (2007), *Fütüvvet Teşkilatinin Anadoludaki yapılanması*, II. Ahi Evran-i veli Araştırmaları Sempozyumu (13 Ekim 2006 Kırşehir) Bildirileri, Hazırlayan M. Fatih Koksall, Kırşehir.

